

به نام خدا



سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان
مرکز آموزش متوسطه علم‌علی تهران (دوره اول)

ناگه وازا شماره‌ی پنجم؛ آذرماه ۱۳۹۴.

[اولین ناگه وازای اقتصاد کلاس اجتماعی هفتم]

[حاوی سوالاتی از مقدمه و اصل یک و دوی سرشاخ اقتصاد]

[+ سوالاتی از کمیابی، هزینه‌ی فرصت، مرز امکانات تولید و جریان دورانی تولید-هزینه]

به سوالات بخش اول این ناگه وازا که کلا جواب ندهید چون فقط تعدادی سوال حفظی هستند برای اینکه خودتان را ارزیابی کنید و بفهمید که سرشاخ را متوجه شده اید یا نه تا ایرادها دربیاید و بتوانید سوال پرسید اگر چیزی رو یاد نگرفتید؛ از بین بقیه‌ی سوال‌ها هم به حداقل دو بخش از شش بخش باقی مانده پاسخ دهید؛ برخی بخش‌ها، شامل بیش از یک سوال است. واضح است که جواب دادن به بیش از دو بخش، یعنی کار اختیاری.

بخش اول

اولین قسمت این ناگه وازا به سوالاتی اختصاص دارد که نباید جواب آنها را تحویل دهید (یا به عبارت دیگر، تحویل دادن پاسخ کتبی این سوالات، فایده‌ی نمروی! ندارد). پس این سوال‌ها به چه درد می‌خورد؟ فقط به این درد که خودتان را محک بزنید که متن سرشاخ را یاد گرفته‌اید یا نه؛ توانایی در پاسخ دادن به این سوالات، یعنی داشتن مقدمه‌ی علمی لازم برای جواب دادن به بقیه‌ی سوال‌ها سرشاخ و همچنین مقدمه‌ی مهم برای جواب دادن به آنچه در امتحان‌های پیش رو از شما خواسته می‌شود. حله؟ خب بریم سراغ سوال‌های نسبتاً حفظی:

موضوع مورد بحث اقتصاد چیست؟ به چند سوال اقتصادی نوشته شده در سرشاخ، اشاره کنید.

پایه‌ی ای‌ترین مفهومی که با آن میتوان اقتصاد را تعریف کرد چیست؟

مفهوم «انتخاب» یعنی چه؟ این مفهوم چه ربطی به علم اقتصاد دارد؟

چه عاملی، تصمیم‌گیری‌های ما را محدود میکند؟

تبادل نیاز-منابع یعنی چه؟ و در چه زمانی سیستم نیاز-منابع در حالت تعادل است؟

کمیابی یا همان Scarcity را تعریف کنید؛ این مفهوم چه ربطی به هدف علم اقتصاد دارد؟

به چند عامل موثر بر میزان پول توجیبی خود اشاره کرده و چگونگی تاثیر گذاری آنها را توضیح دهید.

در مقدمه‌ی سرشاخ، علم اقتصاد با چند تعریف مختلف، معرفی شده است! به چند مورد از آنها اشاره کنید.

علت توسعه‌ی اقتصاد ژاپن نسبت به ونزوئلا با آنکه منابع کمتری در اختیار دارد، چه بوده است؟

فرایند تعمیم دادن رفتارها و اتفاقات خرد یعنی چه؟

برای چه همه‌ی مردم در حال مبادله هستند؟

جمله‌ی «همه‌ی انسان‌ها در حال مبادله هستند چون به مبادله نیاز دارند و به مبادله نیاز دارند چون نیاز دارند.» یعنی چه؟

در سرشاخ چگونه اثبات کرده‌ایم که مدرسه آمدن شما، بیشتر از آنکه برای والدین تان هزینه داشته باشد، برای شما هزینه دارد؟ چرا کمتر کسی پیدا می‌شود که به جای مدرسه آمدن، در خانه به clash زدن مشغول شود؟ (حتی در شرایطی که کسی او را مجبور به مدرسه آمدن نکند).

مبادله‌ی اسلحه – کره یعنی چه؟ این مبادله چه ربطی به مفهوم هزینه فرصت دارد؟

مبادله‌ی محیط زیست – درآمد یعنی چه؟ این مبادله چه ربطی به مفهوم هزینه فرصت دارد؟

مبادله‌ی کارایی – عدالت یعنی چه؟ این مبادله چه ربطی به مفهوم هزینه فرصت دارد؟

بخش دوم

در برخی صفحات سرشاخ، تصاویری از چند نقاشی مربوط به اقتصاد می‌بینید؛ برای مقدمه و اصل یک یا دوی سرشاخ اقتصاد، یک نقاشی بکشید. خوب است بدانید که چند سالی است دانشگاه ایلینویز برای دانش آموزان، مسابقه‌ی طراحی پوسترهای اقتصادی برگزار می‌کند که در لینک زیر می‌توانید پوسترهای برگزیدگان چند سال اخیر این رقابت را ببینید:

http://www.niu.edu/econ_edu/events/poster_contest/index.shtml

بخش سوم)

سوال یک) چرا یک خانواده ی بسیار فقیر حتی در یک کشور پیشرفته، کودک خود را مجبور می‌کنند تا به جای مدرسه رفتن و درس خواندن (حتی مدرسه‌های رایگان)، به کار کردن در کارخانه‌ها یا حتی گدایی کردن مشغول شوند؟ یعنی این خانواده نمی‌داند که می‌توانند با فراهم کردن زمینه ی تحصیل آن کودک در مدرسه، می‌توانند آینده ی بهتری برای خود، حتی از لحاظ مالی داشته باشند؟ [هزینه فرصت]

سوال دو) در کشور چین برخی کارگران حاضرند با دستمزد حدوداً یک دلار در روز، در کارخانه‌ها، کار کنند ولی در آلمان، هیچوقت یک کارگر حاضر نیست با چنین دستمزدی کار کند؛ چرا؟ [هزینه فرصت]

بخش چهارم)

جدولی کشیده و تعدادی از فعالیت‌های مهمی را که روز جمعه انجام می‌دهید، به ترتیب بنویسید؛ سپس برای هر کدام از عناوین، هزینه ی فرصت تعدادی از فعالیت ها را بنویسید. و در نهایت یکی از فعالیت‌هایی که به نظرتان مهم‌تر است، با تمام هزینه فرصت‌هایی که برایش نوشتید مقایسه کنید و نتیجه گیری کنید که آیا انتخاب آن فعالیت از تمام هزینه‌های فرصتی که داشت، عاقلانه‌تر بوده است یا نه؟ هر کدام از موارد باید با فعالیت انجام شده مقایسه شده و اثبات گردد که کدام یک عاقلانه تر است.

فعالیت های انجام شده	هزینه ی فرصت (فعالیت های جایگزین در آن زمان)
فعالیت اول	فعالیت الف، فعالیت ب، فعالیت ج، فعالیت د، فعالیت ه
فعالیت دوم	فعالیت الف، فعالیت ب، فعالیت ج، فعالیت د، فعالیت ه
فعالیت سوم	فعالیت الف، فعالیت ب، فعالیت ج، فعالیت د، فعالیت ه
فعالیت چهارم	فعالیت الف، فعالیت ب، فعالیت ج، فعالیت د، فعالیت ه
فعالیت پنجم	فعالیت الف، فعالیت ب، فعالیت ج، فعالیت د، فعالیت ه

بخش پنجم)

سوال یک) فدراسیون فوتبال ایران، طی توافقی که در سال ۲۰۱۴ با سرمربی تیم ملی فوتبال یعنی کارلوس کی‌روش داشته، متعهد شده است، تا سال ۲۰۱۸، دستمزدی حدود هفت میلیارد تومان در سال را به او بپردازد (یعنی چند برابر

گران‌قیمت‌ترین بازیکن شاغل در لیگ فوتبال ایران و گران‌تر از تمامی سرمربی‌های فوتبال کشور؛ از طرفی تعداد کمی از کارشناسان فوتبال در ایران، مخالف پرداخت چنین دستمزد بالایی به کی‌روش هستند؛ اگر معتقد باشیم که احتمالاً فدراسیون فوتبال، بدش نمی‌آید که این مبلغ زیاد را به جای دادن دستمزد به سرمربی، خرج فرصت‌های بهتری کند و حتماً وقتی چنین دستمزدی را پذیرفته، به جوانب و هزینه‌ی فرصت آن فکر کرده، به نظرتان چه عواملی باعث شده که این عدد با وجود زیاد بودن، به کی‌روش پرداخت شود و فدراسیون چرا حاضر است چنین مبلغی را به او بپردازد؟ یا به عبارت بهتر، مگر پرداخت نکردن این پول به کی‌روش، چه هزینه‌ی فرصت بالایی دارد که در برابر آن پرداخت چنین دستمزدی، تصمیمی اقتصادی محسوب می‌شود؟ [هزینه فرصت]

سوال دو) هزینه فرصت، هر کدام از گزینه‌های زیر را بنویسید :

- الف) پدر خانواده تصمیم می‌گیرد تا پسر گُلش را در مدرسه‌ای غیرانتفاعی ثبت نام کند.
- ب) یک فوتبالیست معروف! تصمیم می‌گیرد تا در بالاترین طبقه‌ی ارگ تجاری، فود کورت تاسیس کند.
- پ) مدیر مدرسه، در قسمتی از حیاط مدرسه، ساختمانی به عنوان ناهارخوری می‌سازد.
- ت) معلم، در حال تصمیم‌گیری برای تعیین میزان آمادگی خود برای جلسه‌ی بعدی کلاس است.
- ث) هربرت هاینر (نفر اول کمپانی آدیداس) برگه‌ی پیشنهاد تاسیس شعبه‌ی جدید در ارگ تجاری را امضا می‌کند.
- ج) نفر اول یک کشور، با بمباران مواضع گروه‌های تروریستی در خاورمیانه موافقت می‌کند.
- چ) خریدن یک عدد لپ تاپ Apple MacBook Pro MJLU2 از جناب دیجی کالا!

سوال سه) مسافرت رفتن برای هر خانواده‌ای هزینه‌های قابل توجهی دارد؛ هزینه‌ی رفت و آمد، هزینه‌ی اقامت، هزینه‌های جاری سفر، خرید و سوغات و ...، هزینه‌های معمول یک سفر تفریحی هستند؛ با این وجود چرا بسیاری از مردم جهان حاضرند برای این سفرهای تفریحی، چنین هزینه‌هایی را بپردازند؟ [دقت کنید که کسی حاضر نیست در حال حاضر برای رفتن به سودان جنوبی چنین هزینه‌ای کند ولی..... خب بسّه دیگه!]

بخش ششم)

در کشور سرشاخستان شمالی، رئیس حکومت، آقای کیم شاخ سر و وزیر اقتصاد آقای دکتر شاخ در شاخ (خودتان می‌توانید جایگذاری کنید!) در حال مذاکره برای اختصاص دادن بودجه به بخش‌های مختلف کشور در سال آینده هستند؛ در همان حال وزیر کار و وزیر مسکن و وزیر آموزش و پرورش وارد اتاق می‌شوند و درخواست خود را مطرح میکنند : «آقای رئیس جمهور! ما به عنوان متصدیان تامین رفاه و تولید کالای مصرفی مردم از شما تقاضا می‌کنیم که تمام بودجه‌ی کشور در سال آینده را به ارتقای سطح بهره‌وری کارخانه‌ها، تولید بیشتر، افزایش رفاه مردم، آموزش و بهداشت با سطح بالاتر اختصاص دهید و همه را با این اتفاق خوشحال کنید. تمام.» هنوز نطق این گروه از وزرا تمام نشده، وزیر دفاع به همراه تعدادی از مقامات نظامی عالی‌رتبه‌ی کشور وارد اتاق شده و با لحنی محکم اینگونه تقاضا می‌کنند : «آقای رئیس جمهور! ما میدانیم که شما به تقاضای وزرای قبلی هیچ توجهی نمی‌کنید و با توجه به وضعیت حساس کنونی تمام بودجه‌ی کشور را به تولید

سلاح و مهمات اختصاص می‌دهید تا در صورت بروز هر گونه حادثه‌ای در کسری از ثانیه، دشمنان سرشاخستان شمالی خصوصا اون کشور بدرندخور سرشاخستان جنوبی(صاحب شرکت شونی پیگزرض!) را تیره و تار کنیم. با تشکر. تمام.»

الف) بدون داشتن عدد و اینها به دکتر شاخ در شاخ کمک کنید که به کیم شاخ سر با کمک یک نمودار ناقابل، نشان دهد مرز امکانات تولید دو کالای اسلحه و کره(همون رفاه و این حرفها) چگونه قابل ترسیم است؛ در ضمن روی نمودار نقاطی را مشخص کنید که بودجه‌ی کشور در حالت مطلوب دو گروه از وزرا را نشان می‌دهد.

ب) کیم شاخ سر، به دلیل هوش سرشارش، تصمیم می‌گیرد اسلحه و کره را به همان اندازه که هر دو گروه از وزراء خواسته اند تعیین کند و هر چه دکتر شاخ در شاخ توضیح می‌دهد که این حالت امکان ندارد، حالی‌اش نمی‌شود. نقطه‌ای را روی نمودار مشخص کنید که اقتصاد نمی‌تواند در آن سطح فعالیت کند و به این شاخ سر آی کیو بفهمانید که چرا این ایده‌ی هوشمندانه‌اش عملی نیست.

ج) حالا که تا اینجا اومدید، حیفه که یک نقطه‌ی غیر کارآمد رو مشخص نکنید؛ سریع یه نقطه بذارید که بریم بخش بعدا!
د) پس از مدتی سرشاخستان شمالی به توانایی تکنولوژیک تولید سلاح بیشتری از منابع یکسان دست می‌یابد. حالا با توجه به این افزایش بازده تکنولوژیک، نمودار مرز امکانات تولید ما چه فرقی می‌کند؟ این تفاوت را روی نمودار مشخص کنید. (راهنمایی آنکه باید سر نمودار رو جابجا کرد! همین.) حالا اگر نسبت به حالت اول، تعدادی از کارگران ما توسط بمب اتمی سرشاخستان جنوبی رفتند روی هوا، نمودار چه تغییر می‌کند؟ اگر آن کارگران تنها در تولید سلاح تخصص داشته باشند چه تفاوتی می‌کند؟ [در واقع شما باید سه بار نمودار اولیه‌ای که کشیدید رو جابجا کنید تا جواب این بخش داده بشه.]

بخش هفتم)

الف) نمودار دورانی تولید و هزینه را رسم کنید؛ روی این نمودار باید چهار بخش اصلی، جریان کالا و خدمات و جریان هزینه - درآمد وجود داشته باشد.

ب) در ادامه و روی همان جریان‌هایی که کشیده‌اید مسیر جریان پول و کالا را چهار مورد زیر مشخص کنید.

* مادر بزرگ شما به بانک می‌رود و سود سپرده‌ی خود را دریافت می‌کند.

* پنجاه هزار تومان بابت شب‌مانی پرداخت می‌کنید.

* استیو جابز بابت یک سال کار در شرکت اپل، ۱ دلار حقوق می‌گیرد!

* سعید معروف بعد از آنکه به تیم کازان می‌رود و ۱ میلیون دلار دریافت می‌کند، با بخشی از آن ویلایی در جزایر سلیمان خریده و آن را به سمپاد برای تاسیس علامه حلی ۱۰۰۰ اجاره می‌دهد.

ج) اگر دولت را به این نمودار اضافه کنیم، در کجا قرار می‌گیرد؟ خریدار است؟ فروشنده است؟ هیچکدام؟ هر دو؟ نقاشی نکنید! توضیح بدید و دلیل بیاورید.

همیشه «فرصت» ما صرف شد در این معنی

که نرخ جامه‌ی بهمان چه بود و کفش فلان!

پروین اعتصامی